



Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

Vol. 52, No. 1, Issue 104

سال پنجاه و دوم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۴

Spring & summer 2020

بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۰۷-۲۲۷

DOI: 10.22067/naqhs.v52i1.78705

ارزیابی دیدگاه رجالی البانی در خصوص روایت «صراط مستقیم»*

دکتر نفیسه فقیهی مقدس

استادیار دانشگاه اصفهان

Email: n_faqihi@yahoo.com

اکبر روستائی

دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

Email: rustaei@chmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارزیابی اشکال رجالی محمد ناصرالدین البانی از عالمان معاصر وهابی، در خصوص روایت «صراط مستقیم» است. این روایت که در متون اهل سنت و وهابیت نقل شده، امام علی علیه السلام را هدایتگر به صراط مستقیم معرفی کرده است. تحقیق فراپیش با روش تحلیلی توصیفی ایراد این عالم وهابی را بر اساس مبانی رجالی اهل سنت و وهابیت تحلیل و ارزیابی نموده است. یافته‌های پژوهش حاکی از نادرست بودن تضعیف البانی، تصریح عالمان اهل تسنن و وهابی به صحت سند، تعدد طرق و استفاضه این حدیث است. بر این اساس ایراد سندی البانی جایگاه علمی نداشته و صدور روایت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله مستفاد می‌گردد؛ افزون بر این که البانی در موارد دیگر، بر خلاف اقتضای اشکال خود، به پذیرش روایت مبادرت نموده است. رویکرد محوری در پژوهش، ارزیابی سندی و در نتیجه اثبات صدور روایت است و تحلیل دلالتی به مجال دیگری وانهاده شده است.

کلیدواژه‌ها: صراط مستقیم، امیرالمؤمنین، وهابیت، ناصرالدین البانی، اهل سنت.

Evaluating al-Albani's view on science of narrators regarding the "straight path" tradition

Dr. Nafiseh Faqihi Moqaddas

Assistant Professor at the University of Isfahan

Akbar Rustaei

PhD student at Baqir al-Olum University

Abstract

The purpose of the present study is to examine the argument made by Mohammad Nasser al-Din al-Albani, a contemporary Wahhabi scholar, regarding the tradition "straight path" from the perspective of science of narrators. This narration, which is quoted in Sunni and Wahhabi sources, has introduced Imam Ali (as) as a guide to the straight path. The literature has analyzed and addressed the arguments of this Wahhabi scholar based on the principles of science of tradition in Sunni and Wahhabism using a descriptive analytical method. The findings indicate that the doubt cast by Albani, the Sunni and Wahhabi scholars' elaboration on the authenticity of the document, the multiplicity of methods and narrators of this hadith are inaccurate.

Accordingly, the main argument made by Albani about this document has no scientific foundation and hence the tradition quoted from the Prophet (pbuh) and his household is utilized. Moreover, in other cases, Albani, despite his argument, has endorsed the narration. The main approach in the research is to evaluate the document and thus prove the issuance of the narration, without delving into the semantic analysis.

Keywords: Straight Path, Amir al-Mo'menin, Wahhabism, Nasser al-Din al-Albani, Sunnis

مقدمه

قرآن کریم در آیات متعددی، صراط مستقیم را، صراط خداوند و راه هدایت به او معرفی کرده (حجر: ۳۱؛ یس: ۶۱؛ یونس: ۲۵؛ آل عمران: ۱۰۱؛ شوری: ۵۲؛ زخرف: ۶۴) و همگان را به پیروی از صراط مستقیم دعوت نموده (انعام: ۱۵۳) و کار ویژه محوری انبیای الهی را فراخوان امت به صراط مستقیم دانسته است. (مؤمنون: ۷۳؛ شوری: ۵۲؛ آل عمران: ۵۱؛ مریم: ۳۶؛ زخرف: ۶۴) از دیدگاه قرآن، سالکان صراط مستقیم الگوی هدایت مردم هستند (انعام: ۸۷) و همچنان که وظیفه ره یافتگان، دعوت به راه راست است (حج: ۷۶)، مردم نیز برای هدایت، ناگزیر از دست یابی به صراط مستقیم در سایه پیروی از حجت‌های الهی می‌باشند (زخرف: ۶۱) در این راستا رسول خدا امیر مؤمنان را هدایت کننده به صراط مستقیم معرفی نموده و پیروی از ایشان را ضامن هدایت انسان‌ها شمرده است. «ان تُوْمَرُوا عَلَیَا رَضِیَ اللهُ عَنْهُ وَلَا أَرْاکُمْ فَاعْلَمِیْنَ تَجِدُوهُ هَادِیًا مَهْدِیًا یَأْخُذُ بِکُمْ الطَّرِیْقَ الْمُسْتَقِیْمَ» (ابن حنبل، المسند، ۱/ ۵۳۸-۵۳۷).

این نوشتار به جهت نقد ایراد رجالی «محمد ناصرالدین البانی»، حدیث شناس معاصر وهابی به روایت «صراط مستقیم بودن حضرت علی» است که با روش توصیفی تحلیلی صدور حدیث را از طریق واکاوی رجالی در منابع اهل تسنن ثابت می‌نماید. دلیل تمرکز نوشتار بر اشکال رجالی البانی، از این جهت است که او از تأثیرگذارترین شخصیت‌های حدیثی مکتب سلفی و نظرات رجالی‌اش مورد توجه جامعه علمی وهابیت است.

علی رغم تتبع و جستجوی فراوان، پیشینه خاص برای موضوع یافت نشد و این مساله در حوزه پیشینه عام مورد توجه قرار گرفت. مقاله «تحلیل انتقادی دیدگاه مفسران قرآن پیرامون آیه «قال هذا صراط علی مستقیم»، نگاشته کرم سیاوشی که در فصل نامه مطالعات تفسیری چاپ شده بدون توجه بر روایات ضمن ارائه قرائت‌های مختلف از آیه، به بررسی دیدگاه‌های چهار گانه مفسران درباره آن پرداخته است. آثار دیگری در زمینه نقد نظرات حدیثی و قرآنی البانی نگاشته شده است؛ از جمله پایان نامه کارشناسی ارشد «نقد و بررسی مبانی و آراء حدیثی محمد ناصرالدین البانی»، توسط سیفعلی زاهدی فر به راهنمایی سیدرضا مؤدب در دانشگاه قم در سال ۸۹ نگارش یافته و به مبانی عمومی البانی در مواجهه با حدیث می‌پردازد. نویسنده پس از طرح مبانی، آراء البانی در مورد روایات عرض و عقل، روایات کافی و ارزش احادیث صحیحین، را نقد و بررسی نموده و در نهایت تناقضات البانی در مورد تصحیح و تضعیف احادیث و یا توثیق و تضعیف راویان، فهرست شده است. پایان نامه «نقد و بررسی

دیدگاه‌های سلفی ناصر الالبانی» نیز در سال ۹۳ توسط کمال الدین نصرتی به راهنمایی سید مهدی عزیززاده در دانشگاه ادیان و مذاهب نگارش یافت. اهتمام مؤلف به تبیین دیدگاه‌های البانی در مباحثی چون بحث صفات خبری و مباحث توحید و شرک است و به نقد محتوایی دیدگاه‌های وی بسنده نموده است. نقد حدیث محوری در دیدگاه‌های قرآنی ناصرالدین البانی نیز اثر علمی دیگری است که در قالب مقاله ارائه شده و نویسندگان وجود تفاوت و تمایز در بین آیات، ضعف استدلال، تعمیم جزء به کل و تناقض‌گویی را در بیان انتقادات قرآن پژوهی البانی ارائه نموده‌اند.

علی‌رغم تحقیقات انجام شده، هیچ‌کدام از پژوهش‌ها مصداق صراط مستقیم را بر اساس روایات نبوی در منابع اهل تسنن و وهابیت بررسی نکرده‌اند. مقاله حاضر، صدور حدیث صراط مستقیم را ضمن طرح اشکال البانی تبیین می‌نماید.

تحلیل مفهومی و مصداقی صراط مستقیم

جوهری اصل «الصراط» را «السرائط» دانسته است. (جوهری، ۳/ ۱۱۳۹) «سراط» به معنای «بلع سریع» است و به راهی که سالک طی می‌کند چون غذایی که بلعیده می‌شود، صراط گویند. (راغب، ۴۰۷) مجمع البحرین صراط مستقیم را دین حق می‌داند که غیر از آن از بندگان پذیرفته نمی‌شود و سالک آن به بهشت نائل می‌آید؛ همچنان که راه، سالک خود را به مقصد می‌رساند (طریحی، ۴/ ۲۵۹).

در تفسیر بحرالعلوم صراط مستقیم، راهی معرفی شده که صاحب خود را به مقصود برساند (سمرقندی، ۱/ ۴۳) و بنا به گفته ابن کثیر «عرب صراط را در هر گفتار یا وصفی که به استقامت یا اعوجاج قابل توصیف باشد، استعاره می‌گیرد، مستقیم را به استقامتش می‌ستاید و کج راه را به کژی» (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱/ ۲۸) به اعتقاد طبری «تمامی مفسران صراط مستقیم را طریق واضحی می‌دانند که انحرافی در آن نیست و لغت عموم عرب نیز چنین است» (طبری، ۱/ ۷۳). متابعت پروردگار و رسول، نقطه کانونی است که ابن کثیر در جمع عبارات مختلف مفسرین سلف و خلف به آن تصریح می‌نماید (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱/ ۲۸).

بنابراین قدر متیقن در مصداق یابی صراط مستقیم این است که نباید در مصادیق آن، اختلاف و انحراف از حق باشد.

محور تحلیل و بررسی در مباحث پیش رو، پیرامون صراط مستقیم بودن امیرمؤمنان است. این موضوع از چند جهت قابل تبیین است:

نخست: انضمام روایات اهل سنت مبنی بر تنزیه حضرت علی از عیب و انحراف که مطابق با مفاد معنایی «صراط مستقیم» است؛ به گفته احمد بن حنبل «حضرت علی دشمنان زیادی داشت که در پی عیب‌یابی و انحراف جویی از وی برآمدند، ولی هیچ اعوجاج و انحرافی در وی یافت نشد.» (صیرفی حنبلی، ۱۷/۱۳۸۶؛ ابن جوزی، المنتظم، ۵/۱۲۹؛ عسقلانی، فتح الباری، ۷/۱۰۴؛ سیوطی، ۱۹۹؛ کنانی، ۲/۸؛ مبارکفوری، ۱۰/۲۳۱).

دوم: روایات دال بر همسانی اطاعت پیامبر اکرم و اطاعت امیرمؤمنان گواه مصداقی حضرت امیر در صراط مستقیم بوده و بیان‌گر اشتراک امت اسلامی بر صراط مستقیم بودن حضرت علی است. روایت ذیل از بین آثار مطرح در این حوزه صراحت بیشتری دارد و با تصحیح حاکم نیشابوری و ذهبی همراه است: «قال رسول الله: من أطاعني فقد أطاع الله و من عصاني فقد عصى الله و من أطاع عليا فقد أطاعني و من عصى عليا فقد عصاني» (حاکم نیشابوری، ۳/۱۳۰)؛

سوم: احادیث شیعه که با تعابیر مختلف حضرت علی را صراط مستقیم معرفی کرده است. (نک: کلینی، ۱/۴۱۷؛ صدوق، ۳۲؛ حلی، ۶۸؛ ابن شهر آشوب، ۲/۲۷۱؛ طوسی، ۴۹۲)؛ چهارم: در منابع حدیثی اهل تسنن نیز از حضرت علی به عنوان هدایتگر به صراط مستقیم یاد شده است. چنانچه در روایت زیر پیامبر اکرم امیر مؤمنان را هدایت کننده و هدایت شده و راهنمای به صراط مستقیم معرفی می‌کند.

عن رسول الله... وان تؤمروا عليا ولا اراكم فاعلين تجدوه هاديا مهديا يأخذ بكم الطريق المستقيم (ابن حنبل، فضائل الصحابه، ۱/۲۳۱؛ همو، مسند، ۱/۵۳۷-۵۳۸؛ ابن حنبل، السنه، ۲/۵۴۱؛ ابن عساکر، ۴۲/۴۲۰-۴۲۱؛ ابن جوزی، ۱/۲۵۳؛ هيثمي، مجمع الزوائد، ۵/۱۷۶).

در بعضی از نقلها به جای «الطريق المستقيم»، «صراط مستقيم» (حاکم نیشابوری، ۳/۱۵۳؛ ابن جوزی، ۱/۲۵۳) یا «الصراط المستقيم» (ابن اثیر، ۴/۱۲۱) به کار رفته است. افزون بر منابع روایی، احادیث صراط مستقیم بودن امیر مؤمنان علیه السلام در منابع مناقب نگاری اهل تسنن نیز انعکاس یافته است. (نک: حسکانی، ۱/۷۶، ۳۴۶، ۳۴۷؛ ابن مردویه، ۲۷۳).

تضعیف سند حدیث

محمد ناصرالدین البانی که از اندیشمندان وهابی معاصر است، صدور حدیث فوق را

نپذیرفته و با شبهه تضعیف سند، حدیث را نقد نموده است. علت تضعیف سند از نظر وی جرح «ابی اسحاق السبعی» یکی از راویان این حدیث به سبب «اختلاط» است؛ «اختلاط» به معنای از دست دادن قدرت تشخیص و تمییز راوی می‌باشد که با از دست دادن عقل یا بینایی و غیر آن محقق می‌شود. (شهرزوری، ۳۹۱)

البانی ذیل روایت فوق در کتاب مشکوه المصابیح می‌نویسد:

إسناده ضعيف، لاختلاط ابی اسحاق السبعی. (خطیب تبریزی، ۳ / ۱۷۳۰)

تحلیل صدور روایت با نقد اشکال رجالی البانی

اشکال رجالی البانی بنا بر مستندات فراوانی که در دو بخش پدیدار می‌گردد پاسخ داده می‌شود؛

بخش نخست به بیان وثاقت «ابواسحاق» و رد نظریه اختلاط وی اختصاص دارد که در سه محور نمایانده می‌شود و در بخش دیگر صحت روایت با استناد به سخن عالمان اهل تسنن و وهابیت، تعدد طرق و استفاضه حدیث یادشده، به اثبات می‌رسد.

بیان وثاقت ابو اسحاق

«عمرو بن عبد الله بن علی بن احمد بن ذی یحمد بن سبیب ... بن نوف بن همدان» مشهور به ابو اسحاق سبیبی از عالمان کوفه و اهل آن شهر بود. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵ / ۳۹۲) سبیب یکی از تیره‌های قبیله همدان است و علت شهرت ابو اسحاق به سبیبی همین مساله شمرده شده است. (ابن حبان، الثقات، ۵ / ۱۷۷) بر اساس این گزارش از آنجایی که قبیله همدان از قبایل یمن است، (بکری اندلسی، ۲ / ۵۲۸) می‌توان ابو اسحاق را یمنی نیز برشمرد. «یعقوب بن شبیه» بر این باور است که علت اشتها وی به این لقب، نزول اجداد او در منطقه سبیب می‌باشد. (عینی، مغانی الاخیار، ۲ / ۳۹۸)

برخی تولد او را در سال ۲۹ [شش سال قبل از اتمام خلافت عثمان] ذکر کرده‌اند، (ابن حبان، الثقات، ۵ / ۱۷۷) بعضی دیگر نیز دو (مزی، ۲۲ / ۱۰۳) یا سه سال (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵ / ۳۹۸) قبل از تمام شدن خلافت عثمان بن عفان دانسته‌اند. ابو اسحاق از سیصد یا چهار صد استاد حدیث نمود (مزی، ۲۲ / ۱۱۱) وی در سن ۹۸ یا ۹۹ یا ۱۰۰ سالگی (محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۶ / ۳۱۴) در سال ۱۲۷ یا ۱۲۸ (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵ /

۳۹۹-۴۰۰) یا ۱۲۹ (محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۶/ ۳۱۴) در کوفه وفات یافت.

الف. «ابو اسحاق» از علمای «بزرگ تابعین» (کیکلدی، ۹۳)، «حافظ حدیث و از روایان شاخص» اهل تسنن (ذهبی، تذکره الحفاظ، ۱/ ۱۱۴) است؛ «بخاری و مسلم» (ابن کمال، الکوکب النیرات، ۱/ ۶۶) و دیگر علما (کیکلدی، ۹۳) بر احتجاج به روایاتش اتفاق دارند. «یحیی بن معین، نسائی، ابو حاتم» (مزی، ۲۲/ ۱۱۰-۱۱۱؛ عینی، ۲/ ۳۹۹) که از عالمان متشدد (لکنوی، ۲۷۴-۲۷۵) رجال اهل تسنن هستند، بر وثاقت او تاکید دارند، به علاوه ابن حبان وی را از افراد بسیار متقن می‌شمارد، و ابو حاتم او را در حفظ حدیث و دقت بر «ابواسحاق شیبانی»، مقدم می‌دارد و در فراوانی روایت و شاگردان او را چونان «زهري» دانسته است. «احمد بن حنبل» وی را مورد وثوق شمرده و بر «سُدَّی» کبیر، مقدم داشته (مزی، ۲۲/ ۱۱۰)، «عجلی کوفی» نیز به وثاقت وی تصریح دارد (عینی، مغانی الاخیار، ۲/ ۳۹۹).

«علی بن مدینی» معتقد است علم نزد شش نفر در سه شهر کوفه، بصره و مدینه است؛ علم اهل کوفه نزد «ابو اسحاق و اعمش» می‌باشد. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵/ ۳۹۹) به عقیده ابو داود طیالسی حدیث نزد «زهري، قتاده، ابو اسحاق و اعمش» است، که در بین این افراد عالم‌ترین فرد به روایات «امیر مؤمنان علیه السلام و ابن مسعود»، «ابو اسحاق» می‌باشد. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵/ ۴۰۱) «ابن تیمیه» او را مشهورتر از آن می‌داند که مدح و ثنا شود. (ابن تیمیه، ۱۵۸) و «اعمش» از حفظ و احاطه «ابو اسحاق» بر [حدیث و] روایانی که از آنها نقل می‌کرد، تعجب می‌کرد (عسقلانی، التهذیب التهذیب، ۸/ ۵۸).

افزون بر توثیق‌های خاص پیش گفته، «ابو اسحاق سبعی» از روایان کتاب‌های شش گانه^۱ اهل تسنن می‌باشد (مزی، ۱/ ۱۴۹)^۲ «شمس الدین ذهبی و ابو الحجاج مزی» (بدر الدین، ۳/ ۳۴۸) و «مقدسی و ابن دقیق» که هر یک از عالمان بزرگ دانش رجال اهل تسنن می‌باشند، بر این اعتقادند که روایان صحیح بخاری و صحیح مسلم از «پل جرح» گذشته و عادل هستند (ابن دقیق، ۵۵؛ عسقلانی، فتح الباری، ۱۳/ ۵۵۷؛ همو، هدی الساری، ۳۸۴؛ قاسمی، قواعدالتحدیث، ۱۹۱؛ سخاوی، ۱/ ۳۰۰-۳۰۱).

ب. بر خلاف البانی، عالمان معتبر رجال اهل تسنن همچون «ابو الحجاج مزی» (مزی، ۲۲/ ۱۰۲) و «بدر الدین عینی» (عینی، مغانی الاخیار، ۳۹۸-۳۹۹) با اینکه بیشترین شرح حال را

۱. صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن نسائی، سنن ابی داود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه.

۲. ابوالحجاج مزی در ابتدای شرح حال «ابو اسحاق» از واژه «ع» استفاده نموده است؛ کاریست این واژه در میان عالمان دانش رجال اهل تسنن به معنای این است که فرد مذکور از روایان کتابهای اصلی شش گانه می‌باشد.

برای او ذکر نموده‌اند، هیچ اشاره‌ای به «اختلاط» وی نکرده‌اند. «شمس‌الدین ذهبی» (ذهبی، میزان الاعتدال، ۳۲۶/۵)، اختلاط او را نمی‌پذیرد؛ «ابراهیم بن محمد بن خلیل طرابلسی» (طرابلسی، ۶۴) و «علاء‌الدین علی رضا» (علاء‌الدین، ۲۷۳) با استناد به سخن «ذهبی»، اختلاط «ابو اسحاق» را مردود شمرده‌اند.

«ضیاء‌الدین عراقی» نیز پس از استناد به کلام ذهبی، اختلاط «ابو اسحاق» را نمی‌پذیرد. وی منشاء این جرح را به نقل از «ابن صلاح» بیان می‌دارد: برخی از اهل علم «اختلاط» را از کلام «ابن عیینه» برداشت کرده‌اند که گفته است: من از ابو اسحاق در مسجد روایت می‌شنیدم و فرد دیگری نبود.

عراقی در نقد گفتار ابن عیینه بیان می‌دارد که این سخن صریح نیست و از آن اختلاط برداشت نمی‌شود؛ از این رو «ابن صلاح» شنیدن حدیث «ابن عیینه» از «ابو اسحاق» را در حال اختلاط، با صیغه تمریض^۱ «یقال» بیان داشته و این امری نیکوست. (زین‌الدین، ۴۴۵)

«سیف‌الدین کیکلدی» نیز معتقد است هیچ یک از علمای تراز اول اهل تسنن اختلاط «ابو اسحاق سبیبی» را نپذیرفته و به صورت مطلق به حدیثش احتجاج کرده‌اند و این نشانگر عدم اختلاط وی در تمامی روایاتش می‌باشد (کیکلدی، ۹۴).

ج. محمد ناصرالدین البانی در برخی از کتاب‌های دیگر خود بدون اینکه بحث اختلاط «ابی اسحاق» را مطرح کند، روایت وی را صحیح می‌شمرد (البانی، صغه صلاه النبی، ۶۳۹/۲ و ۷۲۷).

بر اساس یافته‌های پیش گفته، «ابو اسحاق» عالم‌ترین فرد به حدیث امیر مؤمنان بوده و شخصی ضابط می‌باشد و به لحاظ حفظ و اتقان در درجه بسیار بالایی قرار دارد و نظریه اختلاط وی مردود و شبهه‌البانی از اساس باطل است.

اثبات صحت روایت

تعدد طرق، تصریح عالمان اهل تسنن و وهابیت به اعتبار حدیث فوق و استفاضه آن، صحت روایت مذکور را به دنبال دارد. این سه محور در مباحث پیش رو بررسی می‌شود:

۱. «صیغه تمریض» مانند «قیل، یقال، رُوی، یروی، دُکر» در مقابل «صیغه جزم» همچون «قال، ذُکر، أخبر، حدث، نقل، أفتی و...» قرار دارد. زمانی که روایت یا کلامی ضعیف باشد یا ثابت نباشد و یا در آن شک وجود داشته باشد، صیغه تمریض به کار می‌رود. (النووی، ۱/۱۰۳؛ العینی، عمده القاری، ۶۵/۱)

الف. تعدد طریق

بر اساس مبانی دانش رجال اهل تسنن و وهابیت، «فراوانی طرق» یکی از راه‌های اثبات اعتبار روایت می‌باشد. پاره‌ای از عالمان اهل تسنن (ابن ملقن، ۲/ ۱۸۰؛ حصنی، ۱۰۸؛ صنعانی، ۳/ ۱۰۷؛ مشیشی، ۴۲؛ قاری هروی، مرقاة المفاتیح، ۸/ ۳۴۱) و وهابی (قاسمی، قواعد التحذیر، ۱۰۹-۱۱۰) تصریح کرده‌اند که در این حالت روایت ضعیف به روایت «حسن» تبدیل می‌شود؛ برخی از عالمان مورد استناد وهابیان، تعدد طریق در روایت مرسل را موجب تقویت آن شمرده (زرعی، ۱/ ۲۱۱) و بعضی دیگر بر این باورند که سند حدیث «حسن» به سبب تعدد طرق، به روایت «صحیح» تبدیل می‌گردد. (قاری، شرح شرح نخبه الفکر، ۲۹۷؛ مناوی، الیواقیت والدرر، ۱/ ۳۹۴) و تعداد دیگری از عالمان اهل تسنن معتقدند اگر روایتی حتی به جهت «سوء حفظ» یا «عدم ضبط و اتقان» راوی، ضعیف باشد، تعدد طرق آن را تبدیل به روایت «حسن» می‌نماید. (عسقلانی، الإمتاع بالأربعین المتباينة السماع، ۷۰؛ عینی، عمده القاری، ۲/ ۲۲۰).

عالمان وهابی نیز به همین مساله معتقدند، گرچه تنها یک روایت ضعیف در کنار چنین حدیثی باشد. (قاسمی، قواعد التحذیر، ۱۰۹؛ البانی، سلسله الاحادیث الضعيفه، ۱/ ۳۹۷؛ همو، ارواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ۱/ ۱۶۰)^۱ ابن تیمیه که وهابیت از آرای او اثر پذیرفته‌اند، بر این باور است که اگر حدیث ضعیفی چند طریق داشته باشد، حتی اگر تمامی راویان در همه اسناد افرادی بوده که بسیار اهل گناه و معصیت باشند، صرف تعدد طرق راهگشا خواهد بود و روایت تقویت می‌گردد بلکه گاه موجب علم به صدور روایت می‌شود (ابن تیمیه، ۱۸/ ۲۶)ز

روایت فوق دارای سه طریق و هشت سند است و صرف نظر از بررسی‌های سندی با قاعده تعدد طرق، صحت صدور آن اثبات می‌شود:

طریق اول

این طریق دارای چهار سند می‌باشد، سند اول تا سوم را خطیب بغدادی (خطیب، تاریخ بغداد، ۳/ ۳۰۲) نقل نموده و سند چهارم را ابو نعیم اصفهانی روایت کرده است. (ابونعیم، ۱/ ۶۴)

۱. البانی معتقد است این قاعده بین تمامی عالمان علم «مصطلح الحدیث» [درایه] اتفاق است. البانی، ارواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ۱/ ۱۶۰.

سند اول:

رواه إبراهيم بن هراسه عن الثوري فقال عن زيد بن يثيع عن علي^۱

سند دوم:

رواه فضيل بن مرزوق عن أبي إسحاق عن زيد بن يثيع عن علي عن النبي صلى الله عليه

وسلم

سند سوم:

رواه يحيى بن يمان عن الثوري فقال عن زيد بن يثيع عن النبي صلى الله عليه وسلم

سند چهارم:

نذير بن جناح القاضي ثنا اسحاق بن محمد بن مهران ثنا أبي رواه إبراهيم بن هراسه عن

أبي إسحاق عن زيد بن يثيع عن علي

در سند سوم بعد از زيد بن يثيع، نام پیامبر آمده است، با توجه به اینکه وی از تابعین بوده، (العجلی، ۱/ ۳۸۰) نمی تواند به صورت مستقیم از پیامبر نقل کند بنابراین به قرینه سایر سندها، واسطه بین زيد بن يثيع و پیامبر، امیر مؤمنان یا حذیفه بن یمان می باشد. از طرفی اگر علم به واسطه نیز نداشته باشیم این سند مرسل بوده و بنابر مبانی علم درایه اهل تسنن، مرسل تابعی، نزد جمهور علمای اهل تسنن معتبر است (قاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ۶/ ۱۳۴؛ همو، شرح شرح نخبه الفکر، ۴۰۳؛ سرخسی، ۱/ ۳۶۰؛ بدر الدین، ۱/ ۴۹۱).

طریق دوم

این طریق به حذیفه بن یمان منتهی و دارای سه سند می باشد، در سند اول واژه «صراط

مستقیم» به کار رفته است.

سند اول:

حدثني محمد بن صالح بن هانئ ثنا أحمد بن سلمة ومحمد بن شاذان قالا ثنا إسحاق بن

إبراهيم ومحمد بن رافع قالا ثنا عبد الرزاق أنا النعمان بن أبي شيبه عن سفیان الثوري عن أبي

إسحاق عن زيد بن يثيع عن حذيفه

.... وإن وليتموها عليا فهاد مهتد يقيمكم علي صراط مستقيم. (حاكم نیشابوری، ۳/ ۱۵۳؛

حسکائی، ۸۴-۸۵؛ خطیب، تاریخ بغداد، ۳/ ۳۰۲؛ ابن جوزی، ۱/ ۲۵۳).

۱. در کتاب حلیة الاولیاء این سند که خطیب بغدادی ارائه کرده بود، به دو گونه دیگر نقل شده است، در نقل اول بعد از سفیان ثوری نام ابی اسحاق آمده است؛ و در سند بعدی ابراهیم بن هراسه به طور مستقیم از ابی اسحاق نقل کرده است. (أبو نعیم، ۱/ ۶۴)

سند دوم:

ورواه أبو الصلت الهروی عن بن نمیر عن الثوری عن شریک عن أبی إسحاق عن زید بن یثیع عن حدیفة. (خطیب، تاریخ بغداد، ۳/ ۳۰۲)

سند سوم:

حدثنا عبد الله بن وضاح الكوفي قال أخبرنا يحيى بن اليمان قال أخبرنا شريك عن أبي اليقظان عن أبي وائل عن حدیفة رضی الله عنه... قالوا ألا تستخلف علیا قال إن تستخلفوه ولن تفعلوا یسلک بکم الطريق [المستقیم] وتجذوه هادیا مهدیا. (بزار، ۷/ ۲۹۹)

طریق سوم

«ابن جوزی» پس از نقل این روایت از طریق «زید بن یثیع و امیر مؤمنان»، (ابن جوزی، ۱/ ۴۰۵-۴۰۶) حدیث مذکور را از «سلمان فارسی» نیز نقل می‌نماید:

انأنا هبة الله الحریری قال انأنا أبو طالب العشاری قال انا الدارقطنی قال انا عبدالله بن ابراهیم بن هیثم قال انا محمد بن عیسی بن حبان قال نا الحسن بن قتیبة قال انا یونس بن أبی اسحاق عن أبی اسحاق عن زید بن یثیع عن سلمان الفارسی عن رسول الله ... وان تستخلفوا علیا ولن تفعلوا تجذوه هادیا مهدیا یسلک بکم الطريق المستقیم. (ابن جوزی، ۱/ ۴۰۷)

وی پس از بیان روایت، به نقل از دارقطنی می‌نویسد: این حدیث را تنها «حسن بن قتیبة» روایت نموده، افزون بر اینکه «متروک الحدیث» است. (ابن جوزی، ۱/ ۴۰۷)

اشکال دارقطنی در دو بخش قابل تحلیل و بررسی است:

۱ - غریب بودن حدیث^۲

۲ - متروک الحدیث بودن حسن بن قتیبة

ابن جوزی اشکال دارقطنی را تنها ذیل «طریق سلمان» ذکر نموده و متعرض دو طریق دیگر نشده است. شایان توجه است بنا بر مبانی رجالی اهل تسنن، این نوع اشکال دارقطنی، ضعف چندانی محسوب نمی‌شود.^۳ زیرا چنانچه گذشت، روایت مورد بحث طریق‌های دیگری

۱. در نقل «ابن حجر عسقلانی و هیشمی و صالحی شامی» که همگی از مسند بزار نقل کرده‌اند، واژه «المستقیم» نیز آمده است. العسقلانی، مختصر زوائد مسند البزار علی الکتب الستة و مسند احمد، ۱/ ۶۷۰-۶۷۱؛ الهیتمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۵/ ۱۷۶؛ الصالحی الشامی، ۱۱/ ۲۹۰

۲. شایان است روایتی را که فقط یک نفر آن را از محدثان بزرگی که حدیثشان جمع آوری شده است، نقل کند در اصطلاح دانش درایه، حدیث «غریب» نام می‌گیرد. الشهرزوری، ۲۷۰؛ ابن دقیق، ۴۹

۳. ابن قیم جوزیه [شاگرد ابن تیمیه] ذیل یکی از روایات چنین می‌نویسد: «وهذه الأحادیث وإن كان فی إسنادها بعض الضعف والغرابة فهي مما یقوی بعضها بعضاً ویشد بعضها». (الحنبلی الدمشقی، ۱/ ۱۵۲)

نیز دارد. علی رغم اینکه سخن وی بنابر مبانی دانش رجال اهل تسنن از جهات متعددی مخدوش است:

۱ - «متروک الحدیث» بودن زمانی اعتبار راوی را با تردید مواجه می‌کند که از سوی همگان بیان شده باشد. چنانچه احمد بن صالح که به عنوان یکی از بزرگترین عالمان رجال و حدیث شناس اهل تسنن مشهور است، (نک: مزی، ۱/ ۳۴۰-۳۵۴؛ عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱/ ۳۴-۳۶؛ سیوطی، تدریب الراوی، ۲/ ۳۶۹) به این حقیقت تصریح می‌کند. (خطیب، الکفایه، ۱۱۰؛ شهزوری، ۱۲۶؛ انصاری، ۱/ ۲۸۶)

۲- جرح زمانی موجب عدم اعتبار راوی می‌گردد که «مفسر» بوده و علت جرح مشخص باشد (مثل واژه «کذاب») (ابن کثیر، الباعث الحثیث، ۹۶؛ ابن نجیم الحنفی، ۲/ ۱۱۸؛ قطلوبغا الحنفی، ۱۳۷؛ زین الدین، ۱۳۷؛ نسفی، ۳۹) همچنین در این خصوص جرحی مورد نظر است که مورد اتفاق همگان بوده (ابن نجیم، ۲/ ۱۱۸؛ زین الدین، ۱۳۷) و از سوی کسانی گفته شود که افزون بر عدم تعصب به خیر خواهی شهره‌اند. (النسفی، ۳۹) با این توضیح روشن می‌گردد که عبارت‌های مبهمی همچون: «این حدیث ثابت نیست، منکر است [خلاف اعتقادات است]، جرح بدان وارد است، روای آن متروک است یا عادل نیست»، موجب عدم اعتبار راوی نمی‌گردد. (ابن نجیم، ۲/ ۱۱۸؛ لکنوی، ۹۹)

۳ - «حسن بن قتیبه» از جانب «ابن عدی» توثیق شده است چنانچه احادیش را معتبر شمرده و معتقد است ایرادی بر او نیست. (جرجانی، ۲/ ۳۲۷)

بنابراین عبارت «متروک الحدیث» یارای مقابله با توثیق «ابن عدی» را ندارد، و توثیق وی وثاقت «حسن بن قتیبه» را به دنبال دارد و روایتش «حسن» محسوب می‌شود^۱ و نزد اهل تسنن^۲ و وهابیت (قاسمی، المسح علی الجوربین، ۲۶) معتبر است. با توجه به فراوانی طرق و اسناد یاد شده، حدیث مذکور معتبر است.

۱. بر اساس قواعد رجال اهل تسنن، روایت شخصی که دارای تضعیف و توثیق است، در مرتبه «حسن» قرار می‌گیرد. عالمان اهل تسنن در مورد روایان متعددی همچون «قرعة بن سوند»، «کثیر بن شنظیر»، «عبدالله بن محمد بن عقیل»، «أسامة بن زید اللیثی و سلام بن سلیمان القارئ»، «أبو المنیب»، «أحمد بن بدیل» و ... بدین مطلب تصریح کرده‌اند. (العسقلانی، القول المسدد فی الذب عن المسند للإمام أحمد، ۳۰؛ الزرکشی، ۴۲؛ الهیثمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱/ ۲۶۰؛ الفاسی، ۴/ ۴۲۰؛ الهروی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ۳/ ۳۰۵؛ المناوی، ۱/ ۳۰۵)

۲. عالمان اهل تسنن روایت حسن را مانند روایت صحیح معتبر می‌دانند و بدان احتجاج می‌کنند، به همین خاطر پاره‌ای از علما، روایت «حسن» را در زمره روایات «صحیح» آورده‌اند. (النوی، التقریب والتیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر، ۲۹؛ الأنصاری، ۱/ ۸۸؛ سیوطی، تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ۱/ ۱۶۰؛ المناوی، البیواقیة والدرر فی شرح نخبة ابن حجر، ۱/ ۳۹۲؛ ابن جماعه، ۳۶؛ ابن کثیر معتقد است جمهور اهل تسنن این نظر را قبول دارند: ابن کثیر، الباعث الحثیث، ۳۵.

ب. تصریح عالمان

چنان که گذشت روایت مورد بحث دارای سه طریق و هشت سند بود، بنابر بررسی انجام شده، پاره‌ای از علمای اهل تسنن با تعبیر «صحیح» (نک: ابن حنبل، مسند، ۱/ ۵۳۷-۵۳۸)، «رجاله ثقاء» (هیثمی، بغیة الرائد، ۵/ ۳۲۱-۳۲۲؛ هیثمی، الصواعق المحرقة، ۳۹)، «جید» (عسقلانی، الاصابه، ۴/ ۵۶۹) و برخی از عالمان وهابی با تعبیر «صحیح» (سالوس، ۱۴۸؛ مقدسی، الاحادیث المختارة، ۲/ ۸۶) و «حسن» (ابن حنبل، فضائل الصحابه، ۱/ ۲۳۱؛ ابن حنبل، السنه، ۲/ ۵۴۱)، به اعتبار طریق اول آن تصریح کرده‌اند. سند اول طریق دوم را حاکم نیشابوری بر اساس شروط «محمد بن اسماعیل بخاری» و «مسلم بن حجاج»، صحیح شمرده است (حاکم نیشابوری، ۳/ ۱۵۳) و تصحیح حاکم نیز نزد عالمان اهل تسنن معتبر است (ذهبی، الموقظة فی علم مصطلح الحدیث، ۷۸؛ شهرزوری، ۲۲؛ نووی، التقریب والتیسیر، ۲۶-۲۷).

اعتبار طریق سوم ضمن بررسی اشکال دارقطنی در بحث تعدد طرق تبیین گردید. افزون بر این، هیچ‌کدام از عالمان مذکور متن روایت یاد شده را مورد تردید قرار نداده‌اند که نشان از پذیرش صدور این حدیث پیامبر نزد آنان است (شهرزوری، ۳۸؛ نووی، التقریب والتیسیر، ۲۹؛ ابن جماعه، ۳۷؛ مناوی، الیواقیت و الدرر، ۱/ ۳۴۲).

ج. استفاضه روایت

بنابر مبانی دانش رجال اهل تسنن، اگر روایتی دارای دو، (عطار، ۲/ ۱۵۷؛ جزائری، ۱/ ۱۱۲) یا سه (شوکانی، ۹۴) یا چهار (سبکی، ۲/ ۳۰۸) طریق باشد، بدان مستفیض اطلاق می‌گردد و معتبر است. (ابن فورک، ۴۵) و حتی از روایت مورد وثوق نیز قوی‌تر شمرده شده است. (ابن قدامه، ۳/ ۲۹۹؛ ماوردی، ۱۶/ ۸۵) روایت مورد بحث از سه طریق وارد شده است، از این رو عنوان مستفیض بر آن صدق می‌کند و از این حیث نیز اعتبار آن ثابت می‌باشد.

صرف نظر از تحلیل‌های فوق در اثبات اعتبار روایت مورد بحث، بنابر اتفاق عالمان اهل تسنن (نووی، المجموع، ۵/ ۶۲؛ مقدسی، الآداب الشرعیه، ۲/ ۲۸۵؛ مرداوی، ۴/ ۱۹۹۴) و وهابیان (تمیمی حنبلی، ۶/ ۲۰۵)، در روایات فضایل، اعتبار سند شرط نیست بلکه این بحث تنها در روایات فقهی در اثبات حکم حلیت یا حرمت کاربرد دارد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر اشکال سندی البانی در خصوص روایت صراط مستقیم بودن امیر

مؤمنان علیه السلام بررسی شد و در سه مرحله ایراد وی مبنی بر تضعیف سند روایت به جهت اختلاط ابو اسحاق سبیبی یکی از راویان حدیث، به شرح زیر پاسخ داده شد:

نخست: بیان شرح حال ابو اسحاق سبیبی از دیدگاه عالمان رجالی اهل سنت؛

دوم: رد نسبت اختلاط ابو اسحاق بر اساس مبانی رجالی؛

سوم: ذکر اعتبار روایت ابو اسحاق از دیدگاه البانی در کتاب دیگر وی.

پس از ابطال نظریه اختلاط ابو اسحاق، ضمن سه بخش به اثبات صحت حدیث یاد شده پرداخته شد:

اول: داده‌های منابع حدیثی، نمایانگر آن است که روایت مذکور از سه صحابی پیامبر نقل شده و دارای هشت سند می‌باشد که حاکی از تعدد طرق این روایت در منابع اهل سنت است؛

دوم: تصریح عالمان اهل تسنن و وهابی به اعتبار حدیث؛

سوم: استفاضه حدیث فوق بر اساس مبانی دانش رجال اهل تسنن.

بر این اساس اعتبار حدیث صراط مستقیم در منابع اهل سنت و برخی از متون وهابیت به اثبات رسیده و نظر البانی در این زمینه مخدوش و فاقد اعتبار است.

منابع

- ابن تیمیة الحرانی، أحمد بن عبد الحلیم، *اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة أصحاب الجحیم*، تحقیق: محمد حامد الفقی، القاهرة، چاپ دوم، بی‌جا، مطبعة السنة المحمدية، ۱۳۶۹.
- _____، *مجموع الفتاوی*، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، المدینة المنورة، مجمع الملك فهد لطباعة مصحف الشریف، ۲۰۰۴ م.
- ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی، *العلل المتناهية فی الأحادیث الواهية*، تحقیق: خلیل المیس، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- _____، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، مصطفی عبد القادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
- ابن الملکن، سراج الدین ابی حفص عمر، *البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الکبیر*، تحقیق: مصطفی أبو الغیط و عبدالله بن سلیمان ویاسر بن کمال، الرياض، دار الهجرة للنشر والتوزیع، ۱۴۲۵ ق.

- ابن بابویه، محمد بن علی، *معانی الأخبار*، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ابن جماعه، محمد بن إبراهيم، *المنهل الروی فی مختصر علوم الحديث النبوی*، تحقیق: محی السیدین عبد الرحمن رمضان، دمشق، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- ابن حبان، محمد بن حبان، *الثقات*، تحقیق: السید شرف الدین أحمد، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۷۵ م.
- ابن حجر الهیتمی، احمد بن محمد، *الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه*، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي، لبنان، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *فضائل الصحابه*، تحقیق: وصی الله محمد عباس، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۹۸۳ م.
- _____، *المسند*، تحقیق: احمد محمد شاکر، القاہرہ، القاہرہ، دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ابن حنبل الشیبانی، عبد الله بن أحمد، *السنه*، تحقیق: محمد سعید سالم القحطانی، الدمام، دار ابن قیم، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ابن دقیق العید، تقی الدین، *الاقتراح فی بیان الاصطلاح*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۶ م.
- ابن فورک الأصبهانی، محمد بن حسن، *مشکل الحديث وبیانه*، تحقیق: موسی محمد علی، بیروت، عالم الکتب، چاپ دوم، ۱۹۸۵ م.
- ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، منشورات المطبعة الحیدریة، النجف الأشرف، ۱۳۷۶ ق.
- ابن عدی، عبدالله بن عدی، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۹۸۸ م.
- ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵ ق.
- ابن قدامة المقدسی، عبدالله بن احمد، *الکافی فی فقه ابن حنبل*، المكتب الاسلامی، بیروت، بی تا.
- ابن قطلوبغا الحنفی، زین الدین قاسم، *خلاصة الافکار شرح مختصر المنار*، تحقیق: زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۱۳ ق.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، *إعلام الموقعین عن رب العالمین*، تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد، دارالجيل، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳ م.
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، *المنار المنیفة فی الصحیح والضعیف*، تحقیق: عبد الفتاح أبو غده،

- چاپ دوم، مكتب المطبوعات الإسلامية، حلب، ١٤٠٣ ق.
- ابن كيال، محمد بن أحمد، *الكواكب النيرات*، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، دار العلم، الكويت، بی تا.
- ابن كثير الدمشقي، إسماعيل بن عمر، *الباعث الحثيث*، تحقق: أحمد محمد شاكر، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ دوم، بی تا.
- ابن مردويه اصفهاني، أحمد بن موسى، *مناقب علي بن أبي طالب (عليه السلام) وما نزل من القرآن في علي (عليه السلام)*، تحقيق: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، قم، دار الحديث، چاپ دوم، ١٣٨٢.
- ابن نجيم الحنفي، زين الدين بن ابراهيم، *فتح الغفار بشرح المنار*، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى الباني الحلبي و اولاده، ١٣٥٥ ق.
- الأبناسي، إبراهيم بن موسى بن أيوب البرهان، *الشذا الفياح من علوم ابن الصلاح*، تحقيق: صلاح فتحى هلال، مكتبة الرشد، الرياض، چاپ اول، ١٩٩٨ م.
- أبو نعيم لأصبهاني، أحمد بن عبد الله، *حلية الأولياء وطبقات الأصفياء*، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ چهارم، ١٤٠٥ ق.
- الألباني، محمد ناصر الدين، *أصل صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم*، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع الرياض، چاپ اول، ٢٠٠٦ م.
- _____ *سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة*، مكتبة المعارف، الرياض، چاپ اول، ١٩٩٢ م.
- _____ *ارواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل*، تحقيق: محمد زهير الشاويش، بيروت، المكتب الاسلامي، چاپ اول، ١٩٧٩ م.
- البكري الأندلسي، عبد الله بن عبد العزيز، *معجم ما استعجم من أسماء البلاد والمواضع*، تحقيق: مصطفى السقا، بيروت، عالم الكتب، چاپ سوم، ١٤٠٣ م.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني*، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٣١ ق.
- الأنصاري، عمر بن علي، *المقنع في علوم الحديث*، تحقيق: عبد الله بن يوسف الجديع، السعودية، دارفواز، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
- بزار، أحمد بن عمرو، *البحر الزخار (مسند البزار)*، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله، بيروت، مكتبة العلوم والحكم، چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
- جزائري دمشقي، طاهر بن صالح، *توجيه النظر إلى أصول الأثر*، تحقيق: عبد الفتاح ابوغدة، حلب، مكتبة المطبوعات الإسلامية، چاپ اول، ١٩٩٥ م.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحيح تاج اللغة و صحاح العربية**، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- حاکم الحسکانی، **خصائص علی بن أبی طالب علیه السلام فی القرآن**، تحقيق: محمد باقر المحمودی، چاپ اول، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
- حاکم نيسابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحيحین**، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۹۰ م.
- الحصنی الدمشقی، تقی الدین أبی بکر، **دفع شبه من شبه وتمرد**، مصر، المكتبة الأزهرية للتراث، بی تا.
- حلی، حسن بن سلیمان، **مختصر بصائر الدرجات**، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- خطیب بغدادی، أحمد بن علی، **تاریخ بغداد**، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
- _____، **الكفاية فی علم الرواية**، تحقيق: أبو عبدالله السورقی، إبراهيم حمدی، المدنی، المدينة المنورة، المكتبة العلمية، بی تا.
- الخطیب التبریزی، محمد بن عبد الله، **مشكاة المصابيح**، تحقيق: محمد ناصر الدین الألبانی، بيروت، المكتبة الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، **تذكرة الحفاظ**، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، بی تا.
- _____، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ ق.
- _____، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقيق: الشيخ علی محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۹۵ م.
- _____، **الموقظة فی علم مصطلح الحديث**، تحقيق: عبد الفتاح ابو غدة، بيروت-حلب، مكتب المطبوعات الاسلامیة، دار البشائر الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
- راغب الأصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، المحقق: صفوان عدنان الداودی، بيروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، **اللائئ المشورة فی الأحادیث المشهورة**، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۸۶ م.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، **النکت علی مقدمة ابن الصلاح**، تحقيق: زين العابدين بن محمد بلا فريج، الرياض، اضاء السلف، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
- زين الدين، الحافظ عبد الرحيم بن الحسين العراقي، **التقييد والإيضاح شرح مقدمة ابن الصلاح**، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت، دار الفكر للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۹۷۰ م.

- سالوس، على احمد، *مع الاثنى عشرية فى الاصول و الفروع*، الرياض، دار الفضيلة، چاپ هفتم، ١٤٢٤ ق.
- السبكي، تاج الدين أبى النصر عبد الوهاب، *رفع الحاجب عن مختصر ابن الحاجب*، تحقيق: على محمد معوض، عادل أحمد عبد الموجود، بيروت، عالم الكتب، چاپ اول، ١٩٩٩ م.
- السخاوى، شمس الدين محمد بن عبد الرحمن، *فتح المغيث شرح ألفية الحديث*، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤٠٣ ق.
- سمرقندى، أبو الليث، *تفسير بحر العلوم*، محقق: عمر عمروى، بيروت، دارالفكر، چاپ اول، ١٤١٦ ق.
- السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، *تدريب الراوى فى شرح تقريب النواوى*، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، الرياض، مكتبة الرياض الحديثية، بی تا.
- _____، *تاريخ الخلفاء*، تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد، مصر، مطبعة السعادة، چاپ اول، ١٣٧١ ق.
- شمس الانمه سرخسى، محمد بن احمد، *أصول السرخسى*، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
- الشوكانى، محمد بن على، *إرشاد الفحول إلى تحقيق علم الأصول*، تحقيق: محمد سعيد البدرى ابومصعب، بيروت، دارالفكر، چاپ اول، ١٩٩٢ م.
- الشهرزورى، عثمان بن عبد الرحمن، *مقدمة ابن الصلاح*، تحقيق: نور الدين عتر، بيروت، دارالفكر المعاصر، ١٩٧٧ م.
- الصالحى الشامى، محمد بن يوسف، *سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد*، تحقيق: عبد المعز عبد الحميد الجزائر، لجنة إحياء التراث الاسلامى، القاهرة، ١٤١٨ ق.
- الصنعانى، محمد بن إسماعيل، *سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام*، تحقيق: محمد عبد العزيز الخولى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ چهارم، ١٣٧٩ ق.
- الصيرفى الحنبلى، المبارك بن عبد الجبار، *الطيوريات*، تحقيق: دسمان يحيى معالى، عباس صخر الحسن، الرياض، أضواء السلف، چاپ اول، ١٤٢٥ ق.
- طبرى، محمد بن جرير، *جامع البيان فى تفسير القرآن*، بيروت، دارالمعرفة، چاپ اول، ١٤١٢ ق.
- الطرابلسى، إبراهيم بن محمد، *الاغتباط لمعرفة من رمى بالاختلاط*، تحقيق: على حسن على عبد الحميد، الوكالة العربية، الزرقاء، بی تا.
- طريحي، فخر الدين بن محمد، *مجمع البحرين*، محقق: احمد حسينى اشكورى، تهران، مكتب المرتضويه، چاپ دوم، ١٣٦٢.
- طوسى، محمد بن حسن، *الأمالى*، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثه، قم، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤١٤ ق.

العجلی الكوفی، أحمد بن عبد الله، *معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مداهبهم وأخبارهم*، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوى، المدينة المنورة، مكتبة الدار، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.

العسقلانی، أحمد بن علی، *الإصابة في تمييز الصحابة*، تحقيق: علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت چاپ اول، ۱۹۹۲ م.

العسقلانی، أحمد بن علی، *تهذيب التهذيب*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م. *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تحقيق: محب الدين الخطيب، دار المعرفة، بیروت، بی تا.

مختصر زوائد مسند البزار علی الكتب الستة و مسند احمد، تحقيق: صبری عبد الخالق ابوذر، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الكتب الثقافیة، ۱۹۹۲ م.

هدی الساری مقدمه فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، محب الدين الخطيب، بیروت، دارلمعرفة، ۱۳۷۹ ق.

القول المسدد في الذب عن المسند للإمام أحمد تحقيق: مكتبة ابن تيمية، چاپ اول، مكتبة ابن تيمية، القاهرة،، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.

الإمتاع بالأربعين المتباينة السماع، تحقيق: أبو عبد الله محمد حسن محمد حسن إسماعيل الشافعي، بیروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.

العطار، الحسن، *حاشية العطار على جمع الجوامع*، بیروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۹۹ م. علاء الدين، علی رضا، *نهاية الاغتباط بمن رمى من الرواة بالاختلاف*، القاهرة، دارالحديث، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.

العینی، بدر الدين محمود، *مغاني الأختيار*، تحقيق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل، دار الكتب العلمية، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۶ م.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار إحياء التراث العربي بی تا. الفاسی، الحافظ ابن القطان، *بيان الوهم والإيهام في كتاب الأحكام*، تحقيق: الحسين آيت سعيد، دار طيبة، الرياض، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.

القاری الهروی، ملأ علی نور الدين، *مراجعة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح*، تحقيق: جمال عيتاني، بیروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.

شرح شرح نخبه الفكر في مصطلحات أهل الأثر، تحقيق: محمد نزار تميم وهيثم نزار تميم، بیروت، دارالارقم، بی تا.

القاسمی، محمد جمال الدين، *المسح على الجوريين*، تحقيق: محمد ناصر الدين الألبانی، بیروت،

- المكتب الاسلامى، چاپ سوم، ١٩٧٩ م.
- قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٩٧٩ م.
- الكلىنى، محمد بن يعقوب، الكافى، تحقيق: على أكبر الغفارى، چاپ پنجم، تهران، دار الكتب الإسلامية ١٣٦٣ ش.
- كلكلدى، الحافظ صلاح الدين، المختلطین، تحقيق: رفعت فوزى عبد المطلب / على عبد الباسط مزید، القاهرة، مكتبة الخانجى، ١٤١٧ ق.
- الكنانى، على بن محمد، تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعه، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، عبد الله محمد الصديق الغمارى، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٣٩٩ ق.
- اللكنوى، أبو الحسنات محمد عبد الحى، الرفع والتكميل فى الجرح والتعديل، تحقيق: عبد الفتاح أبو غده، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ سوم، ١٤٠٧ ق.
- الماوردى البصرى، على بن محمد، الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى وهو شرح مختصر المزنى، تحقيق: الشيخ على محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٩٩٩ م.
- المباركفورى، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى، دار الكتب العلمية، بيروت، بى تا.
- المرداوى، علاء الدين أبو الحسن، التجميع شرح التحرير فى أصول الفقه، تحقيق: عبد الرحمن الجبرين، عوض القرنى، أحمد السراج، الرياض، مكتبة الرشد، چاپ اول، ٢٠٠٠ م.
- المزى، يوسف بن الزكى عبد الرحمن، تهذيب الكمال، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٠٠ - ١٩٨٠ م.
- المشيشى الطرابلسى، محمد بن خليل، اللؤلؤ المرصوع فيما لا أصل له أو بأصله موضوع، تحقيق: فواز أحمد زمرلى، بيروت، دار البشائر الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٥ ق.
- المقدسى، محمد بن عبد الواحد، الاحاديث المختارة، تحقيق: عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، مكة، مكتبة النهضة الحديثه، چاپ اول، ١٤١٠ ق.
- المقدسى، محمد بن مفلح، الآداب الشرعية والمنح المرعية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، عمر القيام، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ١٩٩٦ م.
- المناوى، زين الدين عبد الرؤوف (م ١٠٣١ ق)، التيسير بشرح الجامع الصغير، مكتبة الإمام الشافعى، الرياض، چاپ سوم، ١٩٨٨ م.
- فيض القدير شرح الجامع الصغير، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، چاپ اول،

_____ *اليواقيت والدرر في شرح نخبه ابن حجر*، تحقيق: المرتضى الزين أحمد، الرياض، مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۹۹۹ م.

النسفي، عبدالله بن احمد، *منار الانوار* (نسخه خطی)، خط ابراهيم الحنفی (۸۵۰ هـ)، طبع الاعلام، بی جا، بی تا.

النوی، محی الدین بن شرف، *المجموع*، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۷ م.

_____ *التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير*، تحقيق: محمد عثمان الخشت، بیروت، دار الكتاب العربي، چاپ اول، ۱۹۸۵ م.

الهیثمی، علی بن أبی بکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، القاهرة، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.

_____ *بغية الرائد في تحقيق مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، تحقيق: عبدالله محمد الدرويش، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.

